

یادداشت

جنگ روایت ها



عبدالناصر نورزاد

استاد پیشین دانشگاه کابل

بر هیچ‌کسی پوشیده نیست که ملیتاریسم و سودای پولدار شدن و پولدار ماندن، در خصلت جهان امروز سرمایه‌داری است. من نقل قولی از آندیشمندان به‌ظاهر ضد سرمایه‌داری نمی‌کنم، چون در ماهیت این چنین افرادی، شک و تردیدهایی وجود دارد. آنچه را در این نوشته می‌نویسم، تجربیاتی است که هر روز شاهدش هستیم، اما توجهی به آن نمی‌کنیم. آنچه می‌بینم است این است که بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی دنیا (ایالات متحده آمریکا) بیش از ۸۰۰ پایگاه نظامی در سراسر دنیا به‌ویژه در حوزه‌های راهبردی دارد، پیمان‌های نظامی قدرتمندی را مانند ناتو رهبری می‌کند، همپیمانان ثروتمند از دنیای یک میلیارد و شش صد میلیون جهان اسلام دارد، افراط‌گرایی را ابزاری برای تحقق اهداف راهبردی خود به‌گونه موثر به کار برده، از زمان سقوط اتحاد شوروی و حتی قبل از آن در مرحله پس از ختم جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد، در بیش از ۱۰۰ جنگ خونین نقش داشته، نظام‌های سیاسی را به مهندسی‌های استخباراتی، سرنگون ساخته و دست نشانده‌های خود را در آن گماشته است، تولید ناخالص داخلی آن بیش از ۲۲ تریلیون دلار می‌شود، از ۱۱ آبراه راهبردی ۹ آبراه را در اختیار دارد، ثروت سرسام‌آوری از معادن کشورهای غنی از لحاظ منابع زیرزمینی اما دیگر بی‌ثباتی سیاسی را در اختیار دارد، سه حوزه کلیدی تولید ثروت، مانند خلیج فارس، آفریقا و آمریکای لاتین را در چار بحران دارد که تا از بهره برداری سیاسی و اقتصادی کند، تلاش دارد، در چین، روسیه و ایران بستر و جغرافیای ترور را هموار کند تا به تعقیب آن، بتواند به وسیله راهبردی دیگر ساختن دشمن در زمین خودش، زمینه را برای ایجاد موانع فراروی همزون خواهی‌های توسعه طلبانه چین در شرق آسیا، راهبرد گسترش طلبانه روسیه در اروپا و راهبرد فعال گرایانه ایران در خاورمیانه را مساعد سازد. این استراتژی شده است. دکتربن بازموازنه، در اصل به ترکیب اقداماتی دالت دارد که از لحاظ ماهیتی، عملکردی و فکری، تمام قوت منجمع آمریکا را در مناطق دارای اهمیت فراوان ژئوپولیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی، متراکم ساخته و به ایجاد دیوار دفاعی در برابر دشمنان آمریکا منجر می‌شود. آنچه روشن است، جنگ روایت‌هاست که در قالب دکتربن هیبریدی، در دستور کار قدرتهای بزرگ جهانی قرار گرفته است. جنگ روایت‌ها در اصل به بازی در ذهنیت مردم عام توسط قدرت‌های بزرگ، دالت دارد.

این جنگ در اصل، خوراک ذهنی و جانمایه تفکر دجی میان این قدرت‌ها را شکل می‌دهد. دوستی برابیم پیام داده بود که باید در مورد روایت‌های شرقی و غربی، دقت کنیم. پیشنهاد خوبی بود. نخست؛ در جنگ فعلی آنچه ماهیت حقایق را مسلم می‌سازد؛ روایت‌های ساختگی قدرت‌های بزرگ است که تنها انسان‌های زیرک و نکته دان، به آن بی می‌برند. جنگ روایت‌ها، وجهه دروغین عملکرد سیاسی، نظامی و اقتصادی قدرت‌های بزرگ است که به وسیله آن در جهان برای تعقیب و تحصیل منافع شان، دست خلق آن می‌زنند. دوم؛ جنگ روایت‌ها، شاخه و برگ اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی، فرهنگی و همزون طلبانه دارد. وقتی از جنگ هیبریدی صحبت می‌کنیم، در اصل به جنگی دالت دارد که مرکب از تمام مولفه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی، فرهنگی، روانی، زبانی و... باشد. چرا پیوند میان جنگ روایت‌ها را با جنگ هیبریدی به وجود آورده‌ایم؟ چون حرکت کولتیکفی انسانی، مستلزم یک تفکر است و تفکر به اساس یک روایت باید خلق شود و روایت منشاء و نفوذ در مغزها می‌گویند که با شلیک هدفمند، قبل از شروع جنگ، روایتی را در ذهن خواننده خلق می‌کند. خواننده‌ها و بیننده‌ها که عام مردم را می‌سازند و از قبل، بستر حقایقت این جنگ را فراهم می‌کنند. با بسترسازی ماهرانه جنگ در ذهنیت خواننده‌ها، بیننده‌ها و عموم مردم که به قضاوت حقایقت و وجه ماطل این جنگ، پرداخته‌اند، ماشین جنگی میان قدرت‌های بزرگ، فعال‌تر شده و بیشتر فعالیت می‌کنند. سوم؛ هیچ‌گاه، هیچ‌گاه، ما نباید تصور کنیم که ما هدف جنگ نیستیم. تجربه جنگ‌های اخیر و قرن حاضر نشان می‌دهد که هیچ جای دنیا که اهمیت راهبردی داشته باشد، دارای منابع زیر زمینی باشد و برای قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای دنیا منافع داشته باشد، مومن از جنگ نخواهند ماند. این را اصل منافع قدرت‌های بزرگ می‌گویند که برای تداوم سلطه جهانی، اطمینان از دسترسی به مناطق مهم و حیاتی، منابع زیر زمینی و مورد نیازشان، دست به هرچنگی می‌زنند که جز خودشان، کسی دیگری برنده آن نیست. حتی حضور نظامی، تقابل امنیتی و صف بندی‌های نظامی، همه به توافق میان این قدرت‌ها بر می‌گردد. آنچه را در ظاهر به وسیله رسانه‌ها نشان داده می‌شود، از لحاظ ماهیتی، جنبه‌ای از این جنگ‌هاست؛

که بیننده‌ها به مخاطب‌های اصلی آن مبدل می‌شوند. چرا قدرت‌های بزرگ، چنین جنگی را راه اندازی می‌کنند؟ چون ذهنیت مردم را مصروف ساختن و مضمونی را برای سرگرمی ذهنیت جهانی به وجود آوردن، از وظایف اصلی این قدرت‌هاست که هم مصرف داخلی دارد و هم فرامرزی. بنا بر راهبرد (یک جنگ و صد سوژه) یکی از اهداف اساسی این قدرت‌هاست که در پناه آن، جنگی را راه می‌اندازد و عام ذهنیت جهانیان را درگیر صد سوژه می‌سازد تا در تحت شغاع دروغین آن، به کسب منابع و منافع مهم و حیاتی، دست یابند. چهارم؛ جنگ روایت‌ها، اساسا به راهبرد جنگ روانی میان شرق و غرب، اطلاق می‌شود. شرق در نگاه غرب یک مجرم، تجاوزکار، بی‌ایقان، همه به دور از اندیشه‌های ترقی‌خواهانه، غیر دموکراتیک و ناهنجار، در جهان مدرن امروز است. در حالی که در تفکر شرقی، غرب، بانی تروریسم، قاسق مواد مخدر، مسئول نیابتی‌های خونخوار و عامل اساسی بی‌ثباتی در جهان امروز است که برای تحقق اهداف سیاسی اش، دست به تهاجم می‌زند و سرزمین‌ها را تاراج می‌کند و انسان‌ها را به خاک و خون می‌کشد.

حسن بهشتی پور در گفت و گو با «آرمان ملی»:

پزشکیان باید همزمان برای پیروزی ترامپ یا هریس برنامه داشته باشد

دولت چهاردهم نباید در عمل انجام شده

انتخابات آمریکا قرار بگیرد

سه شنبه
۱۴۰۳ • ۰۵ • ۰۹

سال پنجم

شماره ۱۸۸۶

armanmeli.ir

۲۴ مهرم ۱۴۴۶ / ۳۰ جولای ۲۰۲۴

پزشکیان باید به فکر مواجهه با

سناریوهای هیأت حاکمه آمریکا باشد



هر احتمالی بود. در بررسی احتمالات هم باید تحولات دو طرف را در نظر گرفت؛ هم تغییرات در ایران مهم است و هم تغییرات در آمریکا واجد اهمیت است. «جملات ذکر شده اظهارات حسن بهشتی پور، تحلیل گر روابط بین‌الملل در گفت و گو با «آرمان ملی» است. بهشتی پور در این گفت و گو به مهم‌ترین مسائل انتخابات آمریکا و همچنین نحوه مواجهه دولت پزشکیان با دولت آینده آمریکا اشاره کرده که در ادامه می‌خوانید.

آرمان ملی - احسان انصاری: «من اگر جای مسعود پزشکیان بودم از همین امروز به فکر مواجهه با سناریوهای احتمالی در هیأت حاکمه آمریکا می‌افتادم. لازم است ایران همه احتمالات را در نظر بگیرد و بعد متناسب با وقوع هر احتمالی، راهبرد مناسب آن را نیز طراحی کند. مثلا دولت ایران باید بداند اگر ترامپ پیروز شد چه باید کرد؟ اگر کامالا هریس توفیق یافت چه باید کرد؟ بدون شک نباید در برابر عمل انجام شده قرار گرفت و از قبل، باید آماده روبه‌رو شدن با

ریاست جمهوری به دنیا و بخشی از مردم آمریکا نشان داد و به خصوص رفتارهای چند روز اخیر ریاست جمهوری که شکست رانی پذیرفت و هوادارانش را برای حمله به کنگره تحریک کرد، تبدیل به یک مساله منفی جدی در تمام آمریکا برای او شد.

با این وجود در شرایط کنونی ترامپ حامیان زیادی در میان جمهوری خواهان دارد و اساس این حزب اکنون در بستر است اختیار ترامپ قرار گرفته است و عملا شخصیت‌های مؤثر سنتی این حزب به خاطر ترامپ از این حزب طرد شده‌اند. در چنین شرایطی باید توجه داشت که کامالا هریس هم به دلیل زن بودن و هم رنگین پوست بودن، دو امتیازی را دارد که بخش عمده‌ای از جامعه زن‌ان و رنگین پوستان آمریکا را به دست بگیرد و این علاوه بر آن جامعه‌رای متعلق به خود دموکرات‌هاست که به صورت سنتی به نامزد حزب دموکرات رای می‌دهد هر کسی که باشد. با در نظر گرفتن همه شرایط آمریکای امروز، دستکم می‌توان گفت ترامپ همچنان اقبال بیشتری برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری دارد و دلیل آن نیز شاید همان باشد که در مقابل نقاط قوت هریس مطرح می‌شود، یعنی او یک مرد سفید پوست است و همین موارد ویژگی‌هایی بوده که تقریبا تمام ۴۶ رئیس جمهور آمریکا به جز او اما دارای این ویژگی بوده‌اند. ضمن اینکه توجه کنید کامالا هریس، ضعف‌های بایند و آن حواس پرتی و مشکلات کهولت سن او را ندارد و می‌بینید با اولین اشاره به تأیید کاندیداتوری او در ظرف یک روز می‌تواند مبلغ قابل توجهی را برای کمک به کمپین انتخاباتی دموکرات‌ها جذب و جمع کند و همین موارد نشان می‌دهد که علعان وضیعت بدی که پیش روی بایند بود با حضور کامالا هریس کاهش یافته، اما فاصله آن همچنان زیاد است. اکنون، اما باید دید در ماه‌های آینده چه رخ می‌دهد.

نتیجه انتخابات آمریکا چه تأثیری بر رویکرد تعامل با جهان که مسعود پزشکیان به دنبال آن است خواهد گذاشت؟

در مورد راهبردهای جدید در سیاست خارجی ایران در دولت جدید هم باید اجازه داده شود مراسم تحلیف و معرفی کابینه چهاردهم تمام شود و بعد دید تیم سیاست خارجی آقای پزشکیان چگونه عمل می‌کنند. من اگر جای مسعود پزشکیان بودم از همین امروز به فکر مواجهه با سناریوهای احتمالی در هیأت حاکمه آمریکا می‌افتادم. لازم است ایران همه احتمالات را در نظر بگیرد و بعد متناسب با وقوع هر احتمالی، راهبرد مناسب آن را نیز طراحی کند. مثلا دولت ایران باید بداند اگر ترامپ پیروز شد چه باید کرد؟ اگر کامالا هریس توفیق یافت چه باید کرد؟ بدون شک نباید در برابر عمل انجام شده قرار گرفت و از قبل، باید آماده روبه‌رو شدن با هر احتمالی بود. در بررسی احتمالات هم باید تحولات دو طرف را در نظر گرفت؛ هم تغییرات در ایران مهم است و هم تغییرات در آمریکا واجد اهمیت است. به دلیل برگزاری زود هنگام انتخابات در ایران، موعد زمانی تشکیل دولت‌ها در هر دو کشور به هم نزدیک شده است. اساسا یکی از ایراداتی که راهبردهای دولت ایران در سال ۲۰۱۶ و در جریان انتخابات ایالات متحده داشت، این بود که تمام تخم مرغ‌های پیش‌بینی خود را در سید پیروزی کلینتون گذاشته بود و کمتر احتمالی نسبت به پیروزی ترامپ در نظر گرفته بود. این رویکرد غلط در انتخابات ۲۰۲۴ نباید تکرار شود.

خود ترامپ هم آگاه شده که بسیاری از آمریکاییان، ایده‌های او را قبول نداشته و خواستار تغییر آنها هستند. چند مورد ساختار شکنی‌های ترامپ مانند «اول آمریکا»، «دشمنی با خارجی‌ها»، «مقابله با ابزارهای قدرت آمریکا» در جهان مانند ناتو... عمل‌راه به جایی نبردند و اکثر مردم آمریکا با آنها مخالفت کردند

جامعه زنان و مردان رای دهنده در انتخابات پیش‌رو به چه سمتی است. البته که پیش از کامالا هریس، حزب دموکرات، کاندیدای زن دیگری یعنی خانم کلینتون را نیز داشته است. هیلاری کلینتون در انتخابات سال ۲۰۱۶ و پس از شکست‌گفته بود که «این بار نتوانستیم سقف شیشه‌ای یعنی انتخاب یک زن به ریاست جمهوری آمریکا را بشکنیم، اما این سقف بالاخره روزی خواهد شکست.» در واقع او مقاومت برای ریاست جمهوری زنان در آمریکا را به وجود یک سقف شیشه‌ای که گویا زنان از آن نمی‌توانند بالاتر بروند دانسته بود. اما مساله این است که آیا بالاخره این سقف شیشه‌ای با حضور زنی رنگین پوست از حزب دموکرات خواهد شکست؟ در شرایط کنونی بر روی کاغذ اکنون شانس ترامپ بسیار بیشتر از هریس برای رسیدن به ریاست جمهوری است، اما مساله این است که در انتخابات آمریکا می‌تواند در ۱۰۰ روز اتفاقات زیادی رخ بدهد. اول اینکه از سال ۲۰۱۶ و شکست هیلاری کلینتون تاکنون دستکم ۸ سال گذشته و مساله دوم این است که به نظر می‌رسد این بار زنان بسیار بیشتر از سال‌های گذشته پشتیبان و همراه کامالا هریس خواهند بود و شاید با تعدادی بیش از دوره هیلاری کلینتون شاهد همراهی زنان با کامالا هریس باشیم.

چه اتفاقاتی رخ داده که ترامپ شانس بیشتری پیدا کرده است؟

این چهره مخوف که آقای ترامپ از خود در این ۴ سال مقابل ترامپ خواهد بود. هریس با چه رویکردی می‌تواند در مقابل ترامپ به پیروزی برسد؟

هر چند آقای بایدن خانم کامالا هریس را به عنوان کاندیدا مورد حمایتش معرفی کرده است اما کاندیدای حزب دموکرات در نهایت در کنوانسیون ملی حزب در ۱۷ مرداد اعلام می‌شود. با این حال قرائن و شواهد نشان می‌دهد که بهتر از کامالا هریس فعلا در میان دموکرات‌ها وجود ندارد. هریس پشتیبانی زنان و سیاه‌پوستان آمریکا را خواهد داشت، البته باید به این نکته اشاره کرد که یک مقاومت منفی هم در آمریکا برای انتخاب در میان زنان و نیز مردان وجود دارد. در بخش سنتی جامعه آمریکا، موقعیت مردان در ریاست جمهوری مهم است و حتی خانم هیلاری کلینتون در ۲۰۱۶ با وجود همه ویژگی‌هایی که داشت، نتوانست ترامپ را شکست دهد و حتی زنان آمریکا هم اغلب به هیلاری کلینتون رای ندادند. البته هشت سال از آن ماجرا گذشته و باید دید رویکرد

وزیر کشور:

مدت حضور زائران اربعین در عراق حداکثر ۷-۶ روز باشد

می‌خواهیم مدت حضورشان در عراق حداکثر ۶-۷ روز باشد. وحیدی عنوان کرد: در خصوص ناوگان زمینی وهوایی بحث کردیم تا ظرفیت‌ها را افزایش دهیم و همچنین مقرر شده کسانی که قصد عزیمت دارند، حتما در سامانه سماح ثبت‌نام داشته باشند. چون خدمات به زائر در گرو نام‌نویسی در این سامانه است و در سامانه معین‌کننده که از چه مرزهایی عزیمت دارند و چه مدت زمانی در عراق خواهند ماند تا بتوان مدیریت بهتری اعمال کرد. وی اظهار کرد: توجه به موضوع گرما و سلامت زوار مورد دقت است و دستگاه‌ها مشغول آماده‌سازی سایبان و مه‌پاش‌ها هستند تا مشکلی برای

پیش‌بینی‌های لازم صورت گرفته تا مشکلی نداشته باشیم. این سامانه آماده نام‌نویسی از متقاضیان است. وزیر کشور در خصوص عزیمت دریایی زوار به عراق گفت: امسال با همکاری طرف عراقی، این آمادگی وجود دارد که ما حمل و نقل دریایی را هم داشته باشیم و یک بندر را برای ما آماده کرده‌اند. وحیدی اضافه کرد: طرف عراقی برای ورود اتوبوس‌های عراقی به این کشور اظهار آمادگی نکرده ولی امکانات مان را در خاک عراق مستقر خواهیم کرد تا کمک‌رسانی در جابه‌جایی زوار را داشته باشند. وی درباره نرخ بلیت هواییما برای عزیمت به عراق افزود: در این زمینه حساسیت داریم تا قیمت‌ها به صورت مناسب به زوار داده شود. طبق اعلام وزارت راه، عدد مشخصی را اعلام کردند و آن ملاک است و همه باید به آن پایبند باشند.

نگره

پادزهر پزشکیان برای تحریم‌های آمریکا

چهاردهم تیرماه، مسعود پزشکیان، چهره‌ای میانه‌رو از سد سعید جلیلی عبور کرد و به عنوان نهمین رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. در حالی که بازیگران غربی واکنشی منفعل نسبت به نتایج کارزار ریاست جمهوری در ایران داشتند، روسیه و چین بالحنی متفاوت واکنش نشان دادند. ولادیمیر پوتین پیروزی پزشکیان را تبریک گفت، همزمان دبیرتری بسکوف، سخنگوی مطبوعاتی کرملین نیز برای تقویت روابط روسیه و ایران ابراز امیدواری کرد. شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین نیز به همین ترتیب متعهد شد تا مشارکت راهبردی جامع کشورش با تهران را تقویت کند. اما به ادعای ناظران در زیر پوشش خوش‌بینی‌ها، پیچیدگی‌هایی در شراکت ایران با روسیه و چین ظاهر می‌شود. روابط ایران با روسیه و چین، محور اصلی مناظره ریاست جمهوری در اول ژوئیه، موضوعی که دو نامزد را به واسطه نگاه‌های متفاوت‌شان رویاروی هم قرار داد. پزشکیان با استناد به شعار «نه شرقی نه غربی»، از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) دفاع کرد و بر ضرورت بازگرداندن بی‌طرفی و عدم تعهد سنتی ایران در امور خارجی و بازگشت به برجام دفاع کرد. با این همه گروهی با استناد به نقش شورای عالی امنیت ملی مدعی‌اند که رئیس‌جمهوری در حوزه سیاست خارجی نمی‌تواند یک‌تاز باشد؛ گزاره‌ای که تا توجه به افزایش همکاری‌های نظامی ایران و روسیه و پیشرفت در حوزه غنی‌سازی اورانیوم، چشم انداز لغو تحریم‌ها را تا حدودی مبهم جلوه داده است. گروهی می‌گویند، این بدان معناست که سیاست‌های کوتاه‌مدت پزشکیان در قبال روسیه و چین احتمالاً منعکس‌کننده سیاست‌های پیشینیان او خواهد بود، حتی در شرایطی که گتتمان آشتی‌جویانه رئیس‌جمهوری منتخب موجب نگرانی روسیه و چین شده باشد.

حراس مسکوز تغییر گتتمان تهران

از زمان پیروزی پزشکیان، کرملین علنا ز روند انتخابات ایران در برابر انتقادات ایالات متحده دفاع کرده است. پس از آن، سفارت روسیه در آفریقای جنوبی اعلام کرد: «از منظر ایالات متحده، انتخابات آزاد و عادلانه تنها زمانی اتفاق می‌افتد که نامزد انتخابات تحت حمایت ایالات متحده برنده شود. پیروزی هر نامزد دیگری «توتالیترسیسم» و «بی‌اعتنایی بدبینانه به دموکراسی» تلقی می‌شود.» دفاع قاطعانه روسیه از روند انتخابات ایران با سابقه حمایت از دشمنان آمریکایی در سراسر جهان همسو است. با این همه مفسران روسی بر نتیجه کارزار ایران مانور ندادند، به ادعای گروهی از آنها تأکید پزشکیان برای تعامل با غرب، ممکن است نتیجه مخکوس برای مسکو به دنبال داشته باشد. سرگئی مارکوف، مشاور سابق کرملین مدعی شد که پیروزی پزشکیان می‌تواند به غرب این باور (ادعایی) را القاکند که تهران قصد دارد از مواضعش اندکی عقب‌نشینی کند. النا پائینا، معاون سابق دولتی نیز پزشکیان را از چهره‌ای معرفی کرد که غرب از پیروزی اش خرسند است. پائینا مدعی است که حمایت جواد ظریف، وزیر امور خارجه سابق از پزشکیان، می‌تواند زمینه را برای جدایی ایران از متحدان شرقی‌اش فراهم کند. به رغم این دیدگاه‌های ادعایی و افراطی، گتتمان غالب در مسکو این است که اصلاحات مورد نظر پزشکیان مؤثرتر از تلاش‌های او برای تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی ایران خواهد بود. سرگئی دمیدنکو، یکی از چهره‌های آکادمی روسیه فعال در اقتصاد ملی و مدیریت عمومی، مدعی است که سیاست پزشکیان می‌تواند تا حدودی اقتصاد ایران را آرام کند. گزاره‌ای که خواست‌رای دهندگان است، در مقابل، روسلان مندوف، مدیر تحقیقات مرکز همکاری‌های سیاست خارجی پیروماکوف، پس از انتخابات این ادعا را مطرح کرد که صداهای مخالف می‌تواند به مانعی در برابر پزشکیان در میدان سیاست خارجی تبدیل شود. پزشکیان در موضع‌گیری‌های ابتدایی‌اش بر تداوم تعامل میان تهران با مسکو و پکن تأکید داشت. از همین‌رو گروهی از ناظران مدعی‌اند که روابط تهران با شرق حداقل در کوتاه‌مدت دست‌خورد باقی می‌ماند. پس از انتخاب، رئیس‌جمهور منتخب به تداوم روابط خود با کرملین متعهد شد، تأکید پزشکیان بر حضور روسیه و ایران در اجلاس اکتبر ۲۰۲۴ بریکس در کازان و امضای پیمان مشارکت استراتژیک جامع تصویر ثبات در روابط دو بازیگر ابرجسته کرد.

پادزهر تحریم‌های غرب

به ادعای گروهی از تحلیلگران، چشم‌انداز میان‌مدت سیاست خارجی پزشکیان در قبال روسیه چندان روشن نیست. پائینا مدعی است که پزشکیان می‌تواند ورود ایران به عنوان ناظر به اتحادیه اقتصادی اوراسیا به رهبری روسیه را متوقف و حتی ممکن است در صادرات به روسیه پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تجدید نظر کند. جهت‌گیری تازه پزشکیان مسکو را درگیر نوعی عدم قطعیت خواهد کرد. کارشناسان چنین برخلاف همتایان روسی‌شان شاهد تغییر محسوس در روابط خود با تهران نبودند. لی فوکوان، مدیر مطالعات ایران در دانشگاه شمال غربی چین، مدعی است که پزشکیان می‌تواند «تأثیر خاصی بر دیپلماسی ایران بگذارد». اما نتیجه گرفت که غلبه بر تضاد ریشه‌دار آمریکا و ایران غیرممکن است.